

نمای معرفت در مرآة الشرق

علی صدرانی خوئی

عبدالنبی است که در عصر شکوفایی حاکمیت احمد خان دنبلی در خوی، این شهر را مسکن خود قرار داد. شخصیتهای مهم این خاندان عبارتند از:

شیخ عبدالنبی طسوجی (۱۱۱۷-۱۲۰۳ ق)

درباره اجداد عبدالنبی در بین احفاد وی اختلاف است. امین الشرع خوئی - یکی از احفاد وی - در خاطراتش عبدالنبی را چنین معرفی می‌کند:

«این بنده حقیر ابوالقاسم ملقب به امین الشرع پسر مرحوم خلد قرار میرزا اسدالله امام جمعه و وی پسر رضوان ایاب الحاج آقا حسین امام جمعه و وی خلف خلد مقام الحاج مولانا حسن شیخ الاسلام طسوجی الاصل و خوئی المسکن و وی خلف رضوان جایگاه عبدالنبی طسوجی و آن جناب خلف مولانا علی نقی طسوجی و وی خلف مولانا ملا محمد تقی طسوجی است و آن جناب خلف مولانا تاری و یردی طسوجی و آن حضرت خلف مولانا ملا اجاغ قلی طسوجی است. و آخرنسب این بنده به حضرت حبیب ابن مظاهر الاسدی الشهید بیوم الطف - سلام الله علیه - منتهی می‌شود و تا دوازده پشت همگی از ارباب علم و علماء و فضلاء و صاحبان ریاست عامه بلدیة بوده‌اند»^۱

کتاب مرآة الشرق دایرةالمعارفی است حاوی زیست‌نامه قریب به هشتصد تن از عالمان شیعی سده سیزدهم و چهاردهم هجری. این اثر تاکنون به طبع نرسیده و بناست از سوی کتابخانه بزرگ آیه‌الله مرعشی نجفی رحمته بزودی در پنج جلد منتشر گردد.

این سیاهه نظری دارد بر: ۱. خاندان طسوجی، که مؤلف یکی از دانشمندان این خاندان است، ۲. شرح حال مؤلف کتاب و ۳. گذری بر محتوای کتاب مرآة الشرق.

۱. خاندان طسوجی

صدرالاسلام محمد امین امامی خوئی از دانشمندان و رجال سرشناس شیعه در سده چهاردهم هجری و یکی از چهره‌های برجسته خاندان طسوجی خوئی است. خاندان طسوجی یکی از خاندانهای تأثیرگذار در خوی و آذربایجان و در جریانات سیاسی ایران در سده سیزدهم و چهاردهم هجری است. نخستین شخصیتی که از این خاندان در خوی ساکن و خدمات علمی انجام داده شیخ

۱. روزنامه خاطرات امین الشرع (مخطوط).

صدراالاسلام - که او نیز از احفاد عبدالنبی است - او را «پسر محمد شرف‌الدین، پسر مولا اجاق‌قلی طسوجی الاصل خوئی المسکن»^۱ معرفی نموده است.

میرزا حسن زنوزی خوبی، صاحب کتاب *ریاض‌الجته* که خود از شاگردان میرزا عبدالنبی بوده، شرح حال ایشان را در کتاب *بحر العلوم* چنین ذکر نموده:

«قدوة العلماء الاعلام واسوة الفضلاء الكرام وعمدة المحققين العظام ونخبة المدققين الفحام علامة الدهر والفاضل جامع العلوم العقلية والنقلية استادی واستنادی مولانا ملا عبدالنبی بن شرف‌الدین محمد الشریف الطسوجی، جناب ایشان نادره دوران و اعجوبة زمان بود و در جامعیت ایشان کم عالمی پا به دایره فضیلت گذاشته و به حافظه ایشان کسی پا به مرحله وجود نگذاشته، در عهد دولت شاه سلطان حسین صفوی در شهر سنه ۱۱۱۷ قمری متولد و در اوایل تسلط رومیه به قصد تحصیل علوم دینییه مسافرت اختیار و ترک یار و دیار نموده مدت مدیدی در لاهجان در خدمت علامه العلماء مولانا سید محمد لاهیجی و سایر فضلاء آنجا به تحصیل مشغول و در علوم نقلیه حظ کامل حاصل نموده بعد از آن مدتی مدید در مشهد مقدس رضوی در خدمت علامه ربانی مولانا محمد رفیعا بن فرج گیلانی و سایر فضلاء آن مکان خیر مبانی از علوم عقلیه و تفسیر و اصول فقه سیما فن ریاضی بهره کامل یافته و آخر الامر مراجعت به وطن مألوف نموده و به واسطه تصادف عصر آن حضرت با اغتشاشات و انقلابات و ناامنیها معظمه نتوانستند کاملاً اشتغال به تألیف و تصنیف داشته باشند. لایق و سزاوار آن مقام بلند و ارجمندی که در همه علوم و فنون داشتند؛ ولی با وجود این، حواشی زیادی به اکثر کتب در فنون شتی نوشته‌اند و پس از آن در سنه ۱۱۹۶ قمری با اهل و عیال، حتی اولاد صغار خود، به نجف اشرف مشرف گردیده و در آن عتبه مقدسه اعتکاف اختیار نمودند تا آنکه در سنه ۱۲۰۳ قمری، در حایر مقدس حسینی، به رحمت ایزدی پیوست»^۲.

زنوزی در تجلیل از مقام شامخ وی می‌گوید: «من هر چه دارم از آن استاد بزرگوار و بحر زخار اخذ کرده‌ام» و در جای دیگر می‌گوید: «معظمه جامع سعادتین و حایز ریاستین

میراث شهاب

و حاوی معقول و منقول است».

و در تاریخ وفات قصیده‌ای مفصل در حزن و اندوه فراق وی سروده و چنین ناله سر داده:

چرا ز نو نکشتم ناله هر دمی ز نهاد
به دل نه داغ نوم چرخ بد نهاد نهاد
چه داغ نو که دو صد داغ تازه کرد پدید
چه داغ نو که دو صد داغ کهنه برد از یاد
کدام دل متحمل شود چنین اندوه
مگر ز سنگ بود یا ز آهن و فولاد
گرفتم آنکه ز سنگ است دل چه چاره کند
به تیشه‌ای که هر سو زند دو صد فرهاد
تا آنکه گوید:

فتاد رخنه به ارکان دین ز حد افزون
رسید ثلمه به شرع مبین ز حصر زیاد
به گوش دل پی تاریخ او رسید سروش
ز هاتفی که «عجب ثلمه‌ها بدین افتاد»^۳
همچنین در رباعی دیگری تاریخ درگذشت وی را چنین بیان کرده است:

چو شد عبدالنبی آن معدن فضل
از این وحشت‌سرا بر خلد هارب
ز فوتش گشت غارب، مهر افضال
از آن رو سال فوتش گشت «غارب»^۴

زنوزی از ادبای معاصر خود نیز، مصرع ذیل را در تاریخ وفات عبدالنبی نقل کرده است: «افتاده ستون دین اسلام».

عبدالنبی آثاری در فقه و تفسیر و علوم اسلامی نگاشته که تعداد اندکی از آنها تاکنون شناسایی شده است:

۱. تفسیر قرآن؛ تفسیری مفصل که به گفته آقابزرگ تهرانی نسخه آن نزد احفاد وی موجود بوده است.
۲. شرح نهج البلاغه.
۳. شرح معانی الاخبار شیخ صدوق که از این کتاب نسخه‌ای در کتابخانه شخصی مشیر الاسلام سید جواد

۱. دانشمندان گمنام، ص ۹۷-۹۹.

۲. بحر العلوم، محمد حسن زنوزی، (مخطوط).

۳. جمله «عجب ثلمه‌ها بدین افتاد» به حساب ابجد برابر با ۱۲۰۳ می‌شود که

سال درگذشت ملا عبدالنبی است.

۴. همان.

فرزند سید رضا، از نوادگان میرزا حسین زنوزی، وجود داشته است.

۴. تحفة السالکین فی مهمات اصول الدین؛ کتابی به فارسی که نسخه‌ای از آن به خط محمود حکیم، کتابت شده در ۱۹ جمادی الاولی ۱۲۶۵، در ضمن مجموعه‌ای در مدرسه سید محمد کاظم یزدی، در نجف اشرف موجود بوده است.

۵. الرد علی ردّ بعض العامة الكتاب مصائب النواصب که نسخه‌ای از آن در تبریز موجود است.

۶. الرد علی نواقض الرافض.^۱

ملا عبدالنبی شعر نیز می‌سرود و در اشعارش به «سقیم» تخلص می‌کرد. در اعیان الشیعه (۱۲۹/۸) از دیوان اشعار وی نام برده شده است ولی تاکنون خبری از آن در دست نیست. از عبدالنبی دو فرزند به یادگار مانده است: یکی، شاعر شهیر، اشرف طسوجی^۲ و دیگری مولی نقی.

شیخ الاسلام ملاحسن خوئی (۱۲۶۴ ق)

وی فرزند عبدالنبی طسوجی است^۳ و تحصیلات خود را در نجف به پایان رساند و به خوی بازگشت. در خوی شیخ الاسلامی و امامت جمعه این شهر به وی واگذار شد و وی اولین امام جمعه از این خاندان است و بعد از وی اعقاب وی تا چند نسل این مقام را در خوی به عهده داشتند.

زنوزی که معاصر وی بوده وی را چنین ستوده است:

«شیخ الاسلام والمسلمین المولی حسن بن المولی نقی الطسوجی عالم فاضل واعظ حسن التقرير طلق اللسان فصیح البیان ماهر فی الخطابة والاخلاق قرء اولاً علی المولی عبدالنبی الطسوجی ثم سافر الی العراق وخراسان فرجع و اقام بها و تصدی بامر القضاء و فیهذه مشغول بالقضاء و شیخ الاسلام والمسلمین اطلال الله بقائه»^۴.

ملاحسن، مسجدی در خوی بنا کرد که هم‌اکنون نیز به نام «مسجد ملاحسن» در خوی معروف است. این مسجد یکی از مساجد قدیمی شهر خوی است و از طرف اداره حفظ میراث فرهنگی نگهداری می‌شود. ملاحسن در سال ۱۲۶۴ وفات یافت و از خود دو پسر روحانی به نام‌های ملاعلی خوئی و آقاحسین امام جمعه خوئی به یادگار گذاشت.

صدرالاسلام، از نوادگان وی، شرح حال او را چنین نوشته است:

«علامه جلیل آخوند ملا حسن شیخ الاسلام طسوجی خوبی، پسر آخوند علینقی، پسر آخوند ملا عبدالنبی طسوجی خوبی سابق الذکر است و علامه معظم، جدّ اعلا و پدر چهارم نگارنده، می‌باشد و مترجم معظم، ظاهراً اول کسی است که در شهر خوی، پس از شیوع مذهب تشیع در آن اقطار، از طرف سلاطین زندیه یا آقا محمد شاه قاجار، به منصب و مقام مشیخه اسلامی، معین و به لقب نبیل «شیخ الاسلام» ملقب و به این اسم مشتهر گردیده، زیرا که نگارنده، با تفحص مقدور، نیافتم که پیش از ایشان کسی در شهر خوی، این مقام را داشته باشد، چنانچه شنیده هم نشده است.

مترجم معظم، در کجا و نزد کدام استاد و در چه تاریخ و به چه کیفیت، تحصیل علم نموده، در این قسمت‌ها، چیزی به دست ما نیامده و درست معلوم نیست؛ ولی مشار الیه در عهد خود ریاست و مرجعیت عامه در شهر خوی داشته و محل وثوق و اعتماد عمومی بوده و اهالی آن سامان، نوعاً نسبت به ایشان ارادت‌ورزی داشته‌اند.

در واقعه قتل امیر احمدخان دنبلی که به دست برادرزاده‌های خود در شهر خوی،^۵ در حدود سال ۱۲۰۰ قمری اتفاق افتاد و جنازه‌های مقتولین آن روز و آن شب را تا صبح فردا در روی زمین مانده بود، اول صبح روز بعد از آن واقعه که مترجم معظم، مطلع شدند، از منزل خود تنها به قصد تجهیز جنازه‌های مقتولین بیرون آمده و متوجه محل وقوع جناز شده بودند، مردم شهر که تا آن وقت از ترس متغلبین نتوانسته بودند، نزدیک جنازه‌ها بروند، وقتی که دیدند، مترجم معظم، متوجه است کم‌کم جماعت زیادی از مردم دور ایشان گرد آمدند و تا برسند به محل مزبور، از دحام عظیمی تشکیل یافت.

۱. الذریعه الی تصانیف الشیعه ۲۳۳/۱۰.

۲. برای شرح حال وی و نمونه اشعارش ر.ک: شیبستر و پیرامون، حسین روشن، ص ۱۱۸-۱۲۳.

۳. امین الشرع او را پسر آخوند علینقی، پسر آخوند ملا عبدالنبی طسوجی خوبی، معرفی نموده است.

۴. بحر العلوم، مخطوط.

۵. محل این حادثه، شهبازخان بود که بعدها در جای آن خانه حاج میرزا علیقلی شهیدی در خیابان نظامیه، روبه‌روی کوچه صابونچی، ساخته شد.

میراث شهاب

مسجد مزبور را مترجم مزبور، تیرپوش ساخته بودند و بعد از ایشان، نوۀ آن مرحوم و جد بلاواسطه نگارنده، مرحوم مبرور آقا میرزا اسدالله امام جمعه، تقریباً در حدود تاریخ ۱۲۹۰ قمری، به خرج مرحوم حاج ابراهیم بیت‌الله که از تجار باخرد و از شیعیان خاص مرحوم امام جمعه بوده، تعمیر مفصلی نموده و گنبد آجری ساختند و موقوفاتی هم، برای آن قرار داده‌اند و فعلاً به تولیت یکی از بنی اعمام پدری نگارنده، آقای حاج شیخ محمد باقر که امروزه در شهر مزبور از همه جهت مقام اولیت دارند اداره می‌شود.

مسجد مزبور فعلاً دو تا مسجد است متصل به همدیگر (جامع بزرگ) که با گنبد آجری ساخته شده و ستونهای سنگی دارد و مشتمل است به دوازده گنبد و مسجد تابستانی و دیگری (مسجد زمستانی) که چوب پوش است و کوچکتر از مسجد اولی است و برای زمستان ساخته شده است و یک گلدسته (مناره) آجری مرتفع قابل ذکر دارد و در مواقع اذان، در آنجا اذان اعلامی، گفته می‌شود که صدای آن، به همه شهر می‌رسد و عجبا که مسجد مزبور از آن روزی که ساخته شده تا امروز، یک روزنه و بلکه یک وقت نماز، از اوقات پنجگانه، بر آن نگذشته که صدای اذان و ذکرالله و اقامه جماعت و جمعیت و منبر و تبلیغ احکام و ارشاد عوام، از آنجا بریده شده باشد.

تا امروز و تألیف از مترجم دیده و شنیده نشده و تاریخ وفات آن مرحوم نیز، به طور تحقیقی در دست نیست، ولی احتمالاً معلوم است که وفات ایشان، در شهر خوی، و تقریباً در حدود سال ۱۲۱۰ قمری اتفاق افتاده و اولاد متعدد ذکوراً و انثاء، از آن مرحوم باقی مانده است، ولی دو نفر از ذکور آنها جانشین و خلف و خلیفه جامع ایشان بوده‌اند: حاج ملا علی و حاج آقا حسین که جد دوم نگارنده است و هر دو نفر از رجال نامی و قابل ذکر عهد خود می‌باشند.^۲

ملاعلی بن ملاحسن خویی (متوفی ۱۲۵۶)

وی مردی بود زاهد و عابد و روی گردان از دنیا. او بر خلاف مشی اجداد خود، که اجتماعی بودند، انزوا گزید و پست و مقام رسمی قبول نکرد. ایشان علاقه خاصی به حضرت

وقتی که مترجم معظم، نزدیک جنائز رسیدند و دیدند که خود مرحوم احمدخان و دیگر خوانین و اعوان ایشان، همه روی زمین، بی غسل و بی کفن خوابیده‌اند، خود شخصاً بدون این که متوجه کسی بشود، آستین را بالا زده و به قصد تجهیز حرکت کردند.

در این حال متوجه ازدحام حاضرین گردیده، فرمودند: ای مردم دنیاپرست اینها همان اشخاصی هستند که تا دیروز اینها را مثل بت، سجده می‌کردید، امروز حتی از دفن جنازه اینها هم، دریغ دارید، تف به این دنیا و آنهایی که تکیه به آن داشته باشند.

وقتی که مردم این کلمات را شنیدند، ازدحام نمودند، در اقدام به تجهیز آنها، تا آنکه مترجم معظم نماز بر آنها گزارده و به خاک سپردند.

مترجم معظم نفوذ عمیق و معنوی، در شهر مزبور داشته و در تعظیم شعائر دینی در آن نواحی کوششهای بسیاری کرده، مثل آنکه در آن عهد معمول به ویژه که اعیان و اشراف، برای خود مستخدمین ارمنی انتخاب می‌کردند، آشپز^۱ و پیشخدمت آنها مخصوصاً اکثر از ارامنه بوده و مترجم مزبور، با زحماتی این عادت را در آنجا متروک نموده و مردم را به حضور در نماز جماعت وادار نموده و اقامه جماعت در هر سه وقت را سنت جاریه، قرار داده است و خیلی از مراسم دینی را از این قبیل مجری و معمول نموده که بعد از ایشان، از عادات جاریه بوده است، به حدی که شهر مزبور، به دارالمؤمنین مستی و معروف گردیده و سکنه و اهالی آن مرز و بوم، نوعاً زحمات ایشان را تا امروز منظور دارند و در میان خود مذاکره می‌کنند و خودشان را رهین کوششهای ربّانی ایشان می‌دانند.

و از جمله آثار باقیه آن مرحوم، مسجدی است که مشار الیه، در وسط معموره شهر بنا نموده‌اند و به اسم خود آن مرحوم، خواننده می‌شود (جامع ملاحسن).

مسجد مزبور از حیث محل و وسعت و عمران و ازدحام و توجه عمومی و اهمیت معنوی، تا امروز هم، اول مسجد شهر مزبور محسوب می‌شود و از عهد آن مرحوم تا امروز، امامت مسجد مزبور، اختصاص به اولاد و خانواده آن مرحوم دارد.

۱. در اصل «آشپزی».

۲. دانشمندان گمنام، صدرالاسلام خویی، ص ۱۰۶-۱۰۹.

علی علیه السلام و اولادش داشت و به همین سبب وصیت کرده بود که بعد از مرگش او را در سر راه کاروان‌های زوار امام حسین علیه السلام دفن نمایند و چون در سال ۱۲۵۶ ق. وفات نمود در سه کیلومتری شهر خوی در بالای تپه غضنفر دفن شد که از دامنه آن کاروانهای زیارتی امام حسین عبور می‌کردند. قبرش هم اکنون نیز مورد توجه مردم است و کراماتی را برای وی نقل می‌کنند و گنبدی بالای قبرش ساخته‌اند.

حاج آقا حسین امام جمعه فرزند ملا حسن (متوفی ۱۲۶۹)
وی بعد از تحصیل در خوی به نجف مشرف شد و از محضر شیخ جعفر کاشف الغطاء تلمذ نمود و بعد از مراجعه به خوی به جای پدرش در مسجد خانوادگی (مسجد ملاحسن) امامت جمعه و جماعت می‌نمود.

وی در میان مردم نفوذ بسیاری داشت و آمر به معروف و ناهی از منکر بود و به قدری در محل اصلاحات نمود که از آن زمان خوی را دارالمؤمنین می‌گویند.

در جنب مسجد ملاحسن مدرسه علوم دینی احداث کرد که به نام وی به مدرسه حاج آقا حسین امام جمعه مشهور بود. در زمان رژیم پهلوی آن را به مدرسه دولتی تبدیل کردند. حاج آقا حسین در سال ۱۲۶۹ در خوی دارفانی را وداع گفت و جنازه‌اش به نجف منتقل و در وادی السلام در مقبره خانوادگی دفن شد.

شیخ اسدالله خویی ملقب به امین آقا

فرزند حاج آقا حسین بود. شیخ اسدالله در نجف از تلامذه شیخ انصاری بود بعد از بازگشت از نجف، در خوی جانشین پدرش شد و اقامه نماز جمعه می‌کرد و با همشیره شهید آیه‌الله حاج میرزا ابراهیم دنبلی وصلت کرد و حاصل آن سه پسر به نام‌های یحیی، ابوالقاسم و ضیاءالدین بود. سرانجام در سال ۱۲۹۶ در اثر خرابی سقف خانه در زیر آوار وفات کرد و جنازه‌اش به نجف منتقل و در آرامگاه خانوادگی در وادی السلام دفن شد.

حاج میرزا ابوالقاسم خویی ملقب به امین الشرع

او فرزند شیخ اسدالله بود. امین‌الشرع برای تحصیل عازم عتبات عالیات شد و از محضر میرزا حبیب‌الله رشتی و فاضل

ایروانی و دیگران کسب علم کرد و به مقام اجتهاد نایل آمد و به خوی مراجعت کرد. بازگشت وی به خوی مصادف بود با طریقت گستری پرویز خان سلماسی که در خوی خیلی از طبقه اعیان را به طریقه ذهبیه جلب کرده بود. مرحوم امین‌الشرع هم مدتی با این طریقه همراه شد تا اینکه بعد از چند سال از آن فرقه تبری جست و تنها راه رستگاری را موافقت با شریعت نبوی و طریقت علوی می‌یابد. وی دو تألیف دارد که عبارتند از:

۱ - روزنامه خاطرات؛ شرح زندگانی مؤلف است با ذکر

حوادث اجتماعی که مصادف ایام عمر وی رخ داده است.^۱

۲ - میزان الصواب فی شرح فصل الخطاب؛ کتابی است

در عرفان در شرح منظومه فصل الخطاب قطب‌الدین

نیریزی، که در تبریز به صورت چاپ سنگی در قطع رحلی در

بیش از هزار صفحه در سال ۱۲۳۴ ه.ق به چاپ رسید

و اخیراً نیز دانشمند سخت کوش، محمد خواجوی، مشغول

تحقیق پیرامون آن هستند.

مرحوم امین‌الشرع در وقایع سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۸ ه.ق

یکی از بزرگان خوی به‌شمار می‌رفته و در حوادث

مشروطیت و حمله ارامنه به خوی جزء مدافعین بوده است.

در سال ۱۳۲۴ ه.ق که برادر بزرگش، حاج میرزا یحیی، به

تهران منتقل شد، امامت جمعه شهر خوی به وی واگذار

شد. وی شعر هم می‌سرود و در اشعارش به «فانی» تخلص

می‌کرد. سرانجام در سال ۱۳۴۸ ه.ق از این سرای پرحادثه

به دار قرار رخت کشید.

حاج میرزا یحیی بن اسدالله خویی معروف به امام جمعه

خویی (۱۲۷۶ - ۱۳۶۴ ق)

وی عالمی بود مطلع و فقیهی متبع که تحصیلات نهایی

خود را در نجف نزد مرحوم سید حسین کوهکمری و میرزا

۱. نسخه عکسی از این کتاب در نزد نویسنده موجود است. مؤلف در آن

تصریح می‌کند که از طریقه ذهبیه روی گردان شده و نصیحت می‌کند که در

دام این قاطعان طریق گرفتار نشوند. و در مورد کتاب دیگرش، «میزان

الصواب فی شرح فصل الخطاب»، می‌گوید که من این کتاب را در طی هفت

سال صرفاً برای بیان حقیقت معارف دین تألیف کردم و بعداً وقتی به

پرویزخان دادم حضرت خان در مقدمه آن تصرف نموده و جهت ترویج

سلسله ذهبیه آن کتاب را از تألیفات ذهبیه معرفی کرده و این تصرف را بدون

اطلاع وی انجام داده است.

میراث شهاب

ما یجتنی من عمره من ثمر... و ممن تلبس بهذا الشرف وانفق فی تکمیلہ عمره الشریف و حاز منه اوفر سهم و اکثره و معظم شطر و اکثره هو الفاضل الكامل الاصل و السيد الحسیب النبیل فخر الامائل و الاقران صاحب القریحة العزیمه و السلیقة المستفیمة السید شهاب الدین بن السید محمود المرعشی المدعو بأقا نجفی حقیق اللہ تعالی له الآمال و الامانی...»^۴

صدر الاسلام امامی خویی (مؤلف مرآة الشرق)

محمد امین در سال ۱۳۰۳ ه.ق در نجف اشرف - هنگامی که پدرش در آن شهر مشغول علم اندوزی بود - چشم به جهان گشود. پدر وی حاج میرزا یحیی امام جمعه خویی و مادرش دختر آقا حسین خان دنبلی و خواهر مجتهد شهیر خوی، آیه الله شهید حاج میرزا ابراهیم دنبلی خویی بود. او در چهار سالگی همراه پدرش به شهر خوی کوچید و پس از رسیدن به سن و سال تحصیل به تحصیل مبادی علوم از جمله منطق، معانی و بیان، فقه و اصول فقه نزد عالمان آن دیار پرداخت. اغلب تحصیلات او نزد پدر و دایی اش، آیه الله شهید حاج میرزا ابراهیم دنبلی خویی (شهادت ۱۳۲۵ ه.ق)^۵ انجام گرفت. سپس برای تکمیل تحصیلاتش در سال ۱۳۲۶ ه.ق به نجف اشرف عزیمت کرد و در آنجا، در مدت اقامت ده ساله اش نزد ملا محمد کاظم آخوند خراسانی (۴ سال)، شیخ الشریعة اصفهانی (۱۰ سال)، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی،

حبیب الله رشتی و فاضل ایروانی به پایان رسانید. بعد از بازگشت به خوی در مقام پدرش، میرزا اسدالله، امامت جمعه می نمود. در سال ۱۳۲۴ ه.ق از طرف روحانیون آذربایجان به عنوان نماینده مجلس مشروطیت انتخاب و روانه تهران شد و در سال ۱۳۲۶ ه.ق در دوره دوم مجلس به عنوان یکی از پنج تن مجتهدین طراز اول حضور داشت و در دوره سوم مجلس، که موضوع طراز اول منتفی شده بود، از تهران انتخاب شد. از آن زمان به بعد میرزا یحیی، مجتهد پایتخت و از رجال موثر در تحولات مملکتی بود. از او در اواخر عمر از کارهای دولتی کنار کشید و اداره ثبت اسناد دایر کرد. با اینکه وی عالمی توانا و سیاستمداری روشن بین بود، ولی در طول عمر خود، بنا به نوشته پسرش، دست به تألیف، حتی یک جزوه هم نزد و این از عجایب است.^۱

امام جمعه خویی در سال ۱۳۶۴ ه.ق دار فانی را وداع گفت و جنازه اش به نجف منتقل و در وادی السلام دفن گردید.^۲ وی در زمان اقامت خود در خوی مسجد سیدالشهداء را تجدید بنا نمود. کتابخانه مفصلی نیز داشت که بعد از فوتش به کتابخانه مجلس واگذار شد. فهرست کتب اهدایی وی به کتابخانه مجلس در جلد هفتم فهرست نسخ خطی مجلس توسط استاد عبدالحسین حائری منتشر شده که شامل ۲۶۰ نسخه خطی و ۳۳۹ جلد کتاب چاپی می باشد. تنها پسر اهل علم امام جمعه خویی، محمد امین معروف به محمد امین خویی است که نویسنده مرآت الشرق است و شرح حال وی به تفصیل پس از این خواهد آمد. صدر الاسلام شرح حال پدرش را در همین کتاب ذکر نموده که در حرف یاء ذکر خواهد شد.

او همچنین شیخ روایی حضرت آیه الله العظمی سید شهاب الدین نجفی مرعشی قدس سره است^۳ و سرآغاز اجازه وی به معظم له چنین است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله الذي تروى احاديثه وجوب وجوده جميع الممكنات وتنقل حسان روايات كرمه وجوده انواع الكائنات، سبحان من اجاز لنا رواية عزه و جلاله و امرنا في كتابه الكريم ان نحدث بنعمه و آلائه و الصلوة و السلام على محمد و آله البررة الكرام ابواب العلم و مفاتيح الرواية و الدارياة. و بعد فان من البين الواضح و الجلى اللايح ان العلم اشرف ما يتحلى به البشر و اعظم

۱. از نامه صدر الاسلام - پسر صاحب ترجمه - به شیخ آغا بزرگ تهرانی در مورد زندگینامه پدرش. این نامه خطی است و نسخه آن در کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی نگهداری می شود.

۲. برای تفصیل زیست نامه امام جمعه خویی به مصادر زیر مراجعه شود: شرح حال رجال ایران، بامداد، ج ۴، ص ۴۳۳؛ مرآت الشرق، محمد امین امامی (مخطوط): نباء البشر (قسم مخطوط): مجله یادگار ۳۷/۳/۳؛ مجله وحید ۱۵/۲۱۴/۱۸ و ۱۶/۲۳۴/۵۷.

۳. المسلسلات في الاجازات، ج ۲، صص ۲۹۳ - ۲۹۵.

۴. المسلسلات في الاجازات: ۱/۱۹۵.

۵. آیت الله شهید حاج میرزا ابراهیم دنبلی خویی (۱۲۴۷ - ۱۳۲۵ ه.ق) از شاگردان شیخ انصاری و شیخ مهدی کاظمی و شیخ مهدی نجفی است و آثار گرانبهائی دارد چون اربعون حدیثاً، الدررة النجفیة فی شرح نهج البلاغة الحیدریة، ملخص المقال فی تحقیق احوال الرجال و غیره برای شرح حال وی به سیمای خوی صص ۱۷۸ - ۱۸۳ مراجعه شود.

شیخ عبدالله مازندرانی و سید حسن صدر دروس فقه، اصول فقه، کلام، درایه، تفسیر و رجال را آموخت و حکمت و فلسفه و عرفان را نزد شیخ احمد شیرازی و ملا علی محمد نجف آبادی فراگرفت و در سال ۱۳۳۷ ه.ق به ایران مراجعت کرد و در تهران ساکن گردید و به تبلیغ و ترویج علوم و تصنیف آثار پرداخت.

مقام علمی امامی خوئی

در باره مقام و موقعیت علمی مؤلف، سخن دو تن از اساتید وی را - که امامی از هر دو اجازه نقل روایت دریافت کرده است - نقل می‌کنیم:

مرحوم آیه‌الله سید حسن صدر - قدس سره - در اجازه‌ای که به وی عطا نموده، او را چنین ستوده است: «ولما كان الشيخ الفاضل الفاضل العالم العامل المبين، محمد الامين ابن الامام العلامة الاواه يحيى بن اسدالله الخوئي، ممن كدّ في العلم وجدّ و تعب فاجتهد، وكان المؤيد الممدّد احبّ الفوز بفضيلة تلك الشركة والنظم في سلسلة الرواة... فأجزت له - أدام الله تأييده - رواية جميع ما للرواية فيه مدخل مما يجوز روايته من انواع العلوم...»^۱

مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی - قدس سره - نیز درطبقات، وی را چنین معرفی کرده است:

«الشيخ محمد امين الخوئي، هو الشيخ محمد أمين الملقب بصدرالاسلام ابن الميرزا يحيى امام الجمعة ابن اسدالله بن الأغا حسين بن حسين بن نقى الطسوجي الخوئي عالم فاضل مؤلف.

نزل مع الوالده الى تهران أولاً ثم هاجر منها الى نجف (۱۳۲۷) واشتغل على علمائها ولاسيما شيخنا العلامة شيخ الشريعة وصدرت له الاجازة منه مصرحاً فيها ببلوغه رتبة الاجتهاد واستجاز سيدنا الحسن الصدر في الرواية فكتب له اجازة مبسوطة وشعبان (۱۳۳۶) خرج من النجف بعزم العودة الى تهران وكنت يومئذ في الكاظمين.

ورأيت من تصانيفه «شرح تكملة التبصرة» خرج منه مقدار من كتاب الصلاة و «كشف الالتباس» في حكم المشكوك من اللباس ورسالة في مسح الرجلين واثباته من طرق العامة فرغ منها في رجب من السنة المذكورة.

و یأتی ذکر والده العالم الشهير و جملة من اجداده العلماء الاجلاء على ما حدثني به وقد ترجمهم مع غير هم في كتابه الكبير الموسوم ب (مرآة الشرق) و اخيراً حمل جثمان والده الى النجف في (۱۳۶۴) و دفنه بمقبرتهم في وادی السلام. و رجع الى تهران و توفي (۱۳۶۶ ق)»^۲.

شیخ الشریعة اصفهانی نیز، در اجازه‌ای که به وی داده، او را چنین ستوده است:

«العالم العامل الفاضل قدوة العلماء الافاضل زين الفقهاء الامائل الجليل المجتهد السديد الموفق لمزيد التأيد والتسديد، المطرّز اودية الفضائل و الآداب المبرز في ضروب الكمال على الامثال والاضراب، المترقى بحسن فهمه الثاقب الصحيح الى اوج الاستدال والترجيح، و لّدى النبيل الاصيل المتين الشيخ محمد امين بن العالم العلم العلامة والعليم النحرير الفهامة المحقق المدقق البحر المتدقق الشيخ يحيى الخوئي ادام الله افضاله وكثر في علماء الامامية امثاله... بعد ما حضر سنين متمادية على وقرء شطراً وافرأ من المباحث الفقهية والاصولية والحديثية والرجالية لدى قراءة بحث و تحقيق ونظر و تدقيق و صنف في جملة منها بالنظر البالغ الصحيح ما يغنى عن التنصيص بمقام فضله...»^۳.

آثار امامی

مرحوم صدرالاسلام اهتمام زیادی به تألیف و تدریس و تحقیق داشت و قریب چهل اثر از خود بر جای گذاشت که تاکنون چند رساله کوچک از آنها به چاپ رسید و چند اثر در دست تحقیق و انتشار است.

نسخه اصل اغلب آثار مرحوم امامی در کتابخانه حضرت آیه‌الله مرعشی نگرهداری می‌شود و در جلد سی و یکم فهرست آن کتابخانه معرفی شده است. یکی از ویژگی‌های آثارش این است که او غالب آثارش را چندبار تحریر نموده و در هر تحریر مطالبی را کم و زیاد کرده است.

۱. از اجازه سید حسن صدر به محمد امین صدرالاسلام. این اجازه در میراث حدیث شیعه، دفتر سوم، صص ۴۵۳-۴۸۸ به چاپ رسیده است.

۲. نقباء البشر، ج ۱، صص ۱۸۲-۱۸۳، رقم ۳۹۹.

۳. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله مرعشی: ۱۱۵/۳۱.

میراث شهاب

- فهرست آثار و تألیفات وی عبارتند از:
۱. اشارات الکلیل فی کشف رموز منظومه فسوة الفصیل، شرحی است بر الفیه نیر تبریزی موسوم به فسوة الفصیل.
 ۲. تاریخ ثوره نجف، کتابی است به فارسی که در آن قیام مردم نجف و سرکوب آن را به وسیله انگلیسی‌ها، که خود شاهد آن بوده، به تفصیل نگاشته است.^۱
 ۳. تاریخ دانشمندان گمنام، شامل شرح حال سی و چهار تن از دانشمندان مسلمان است. این کتاب از سوی کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی در دفتر سوم گنجینه شهاب منتشر شده است.
 ۴. تاریخ مستور یا تاریخ عهد پهلوی یا کتاب گمنام.
 ۵. تاریخ معاصر ایران.
 ۶. تراجم، شرح حال و ذکر تألیفات برخی از علمای سده چهاردهم هجری است که به تفصیل گردآوری شده است.
 ۷. تراجم الأعیان، رساله‌ای است در شرح حال بزرگان خوی (از قرن اول تا عصر حاضر).
 ۸. ترجمه آداب سلطانیة ابن طقطقیه، از عربی به فارسی.
 ۹. تصحیح و تنقیح رساله قاضی سعید قمی در قرائات.
 ۱۰. تعلیقه بر کتاب «القوانین الأصول» میرزای قمی.
 ۱۱. حاشیه‌المکاسب، حاشیه‌ای است بر مکاسب شیخ انصاری.
 ۱۲. حاشیه فرائد الاصول، حاشیه‌ای بر کتاب شیخ انصاری از آغاز تا بحث البرائة.
 ۱۳. حجة المسترشدين وسند الموحدين، تعلیقه‌ای است بر باب حادی عشر علامه حلی.
 ۱۴. رساله در بیان اقدم نسخ موجود از قرآن کریم در عصر حاضر.
 ۱۵. رساله در بیان انساب سادات که در سراسر زمین مزارشان معروف است.
 ۱۶. رساله در بیان تاریخ تفسیر و طبقات مفسران و اولین تفسیری که صحابیان و سپس تابعیان نوشتند.
 ۱۷. رساله در بیان ترجمه قرآن کریم به زبانهای دیگر و اولین ترجمه‌ای که صورت گرفته است.
 ۱۸. رساله در بیان تفسیر به رأی که در روایات نهی شده است.
۱۹. رساله در بیان مسائل شک در رکعت اول و دوم نماز و شک در افعال نماز.
 ۲۰. رساله در تواتر قرآن کریم.
 ۲۱. رساله در فواتح سُور.
 ۲۲. رساله در قاعدة فلسفی «الواحد لا یصدر عنه إلا الواحد».
 ۲۳. رساله در قراء عَشْرَه و قرائتهای آنها.
 ۲۴. رساله در مسئله تحریف قرآن و رد آن.
 ۲۵. رساله در وجوب مسح القدمین.
 ۲۶. رساله در قاعدة التجاوز والفراغ.
 ۲۷. رساله فی الاصول الفقه.
 ۲۸. رساله فی علم النفس (بقاء نفس).^۲
 ۲۹. السؤال والجواب، رساله مختصری است در پاسخ به پرسش شیخ رضا چال حصارى (افضل) که دو اشکال در سورة فاتحه مطرح نموده و مؤلف به آنها پرداخته است.
 ۳۰. السؤال والجواب، رساله مختصری است در مسأله معراج رسول الله ﷺ که به صورت پرسش و پاسخ درآمده است.
 ۳۱. شرح الفوائد الصمدیه شیخ بهایی، این شرح اولین اثر صدرالاسلام است.
 ۳۲. شرح تجرید الاعتقاد خواجه نصیرالدین طوسی (به فارسی).
 ۳۳. صلاة المسافر.
 ۳۴. عدم جواز الصلاة فی اجزاء ما لا یؤکل لحمه.
 ۳۵. غرایب العهد یا مشاهدات شنیدنی.
 ۳۶. فرحة المهموم فیما انتخبناه من الأحرار والختموم یا روضة العنایات و ظهر المظلومین و حدیقه الدعوات و حقیقه المناجات و انیس المکروبین یا الأربعین فرحة المضطر والمهموم والحزین، در حرز و ادعیه.
 ۳۷. الفرق بین الحق والحکم، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه حضرت آیه‌الله مرعشی به شماره ۱۲۲۶۲ موجود است.
-
۱. این رساله به تصحیح استاد سید احمد حسینی اشکوری در سالنامه میراث اسلامی ایران، دفتر سوم، سال ۱۳۵۷ ه.ش، صص ۲۵۷-۳۱۰ به چاپ رسیده است.
 ۲. بخشی از این کتاب در مجله تعلم و تربیت در تهران منتشر شده است.

۲. تاریخ دانشمندان گمنام در دفتر سوم گنجینه شهاب منتشر شده است.

۳. مستدرک کتاب دانشمندان آذربایجان در دفتر سوم گنجینه شهاب منتشر شده است.

۴. فهرست کتابخانه صدرالاسلام در دفتر چهارم گنجینه شهاب چاپ شده است.

۵. اجازه سید حسن صدر به صدرالاسلام در دفتر میراث حدیث شیعه چاپ شده است.

مشایخ اجازه امامی خوئی

صدرالاسلام از چند تن از اساتید خویش اجازه روایت دریافت نموده که عبارتند از:

۱- شیخ الشریعة اصفهانی که در اوائل صفر ۱۳۳۵ هـ.ق به امامی اجازه داد و نسخه اصل آن در کتابخانه آیه الله مرعشی به شماره ۱۲۲۷۱ در دو صفحه (فهرست: ۱۱۴/۳۱) موجود است.^۱

۲- سید محمد علی حسینی رازی تهرانی، مشهور به شاه عبدالعظیمی، که در سال ۱۳۳۳ هـ.ق از وی اجازه روایت دریافت کرده است.

۳- ملا محمد علی بن محمد حسن خونساری نجفی که در سال ۱۳۳۱ هـ.ق از وی اجازه روایت دریافت کرده است.

۴- شیخ محمد حسین مازندرانی حائری که در سال ۱۳۳۶ هـ.ق در کربلا از وی کسب اجازه کرده است.

۵- میرزا محمد حسین نائینی اصفهانی نجفی.

۶- سید حسن صدر کاظمینی، این اجازه را که مفصل است، مرحوم صدر در ۲۵ شعبان ۱۳۳۶ هـ.ق صادر نموده است.^۲

۷- سید یاسین افندی کاظمی محیطی حلی نجفی. او از علمای عامه بوده است و مرحوم امامی در سال ۱۳۳۳ هـ.ق از وی اجازه دریافت نموده است.

۸- شیخ آقا بزرگ تهرانی. او در سال ۱۳۶۷ هـ.ق برای شیخ الاسلام اجازه صادر نموده که نسخه آن به

۳۸. فهرست روضات الجنات. فهرست کتاب روضات الجنات است که نام شخص و تاریخ وفات با ذکر صفحه کتاب درج شده است.

۳۹. فهرست کتابخانه، فهرستی است که مرحوم امامی بر کتابخانه خود نوشته و در گنجینه شهاب دفتر چهارم چاپ شده است.

۴۰. قاعدة تعریب کلمات فارسی، رساله موجزی است در قواعد تعریب کلمات فارسی که مؤلف با بیان آنها به ارائه ۴۰ مثال پرداخته است که از فارسی تعریب شده و در عربی استعمال می‌شود.

۴۱. قاموس العرفان فی تاریخ المصاحف و تعریف القرآن، اثری است در علوم قرآن، که مؤلف آن را به عنوان مقدمه‌ای بر تفسیری که بنا داشته بنویسد، نگاشته است.

۴۲. قصیده‌ای فارسی که به مناسبت میلاد امام زمان (عج) سروده شده و نزدیک به شصت بیت است.

۴۳. کتابچه ثبت املاک و اسناد.

۴۴. کشف الاتیاس عن حکم المشکوک من اللباس.

۴۵. لؤلؤة الزمان فی احوال من ادرکنه من الفضلاء والادباء و المشایخ الارکان

۴۶. مرآة الشرق فی تراجم عمدة ذوی الآثار من رجال الشیعة الکرام

۴۷. مسأله خلق اللحیة

۴۸. مستدرک کتاب دانشمندان آذربایجان، شرح حال

بیست و یک تن از دانشمندان مسلمان است.

۴۹. مفتاح السعادة و منهاج السیادة یا کنوز السعادة و منهاج السیادة کتابی است در مواظب و حکم در سه جلد.

۵۰. مقالة فی اثبات التوحید (با ادلة کلامی عقلی).

۵۱. مکملة تکملة التبصرة، شرحی است بر تکملة التبصرة آخوند خراسانی.

۵۲. منظومه‌ای در فقه که ناتمام مانده است.

آثار چاپ شده

از آثار صدرالاسلام جز چند اثر کوتاه - که در ضمن مجموعه‌ها چاپ شده - اثری مستقل چاپ نشده است:

۱. تاریخ ثوره نجف سالنامه میراث اسلامی ایران، دفتر سوم (سال ۱۳۵۷ هـ.ش) صص ۲۵۷-۳۱۰ به چاپ رسیده است.

۱. تصویر صفحه آخر این اجازه در فهرست کتابخانه مرعشی (۸۲۵/۳۱) درج شده است.

۲. متن این اجازه در میراث حدیث شیعه، دفتر سوم (۱۳۷۸ هـ.ش)، صص ۴۵۳-۴۸۸ به چاپ رسیده است.

فيه النجاة والسمو والعلما
يكفيك في الدارين خيراً عملاً
الفقه في العرف بمعنى الفهم
يعرفه منه الخبير ذوالفهم
وعند معشر الأصحاب الأعلام
العلم بالتفصيل للأحكام
من الدليل الخاص للمسائل
منحصرأ في أربع من الدلائل
من محكم الكتاب ثم العقل والخبر
والرابع الاجماع به العرف استقر

وفات

مرحوم صدرالاسلام پس از عمری تلاش در تحصیل علم
و تألیف و تدوین کتب معارف دینی در شعبان سال
۱۳۶۷ هـ ق رخت به سرای جاوید کشید.

کتابخانه صدرالاسلام

مرحوم صدرالاسلام مانند پدرش علاقه زیادی به کتاب
داشت و در راه تهیه کتابهای نفیس سختیهای زیادی را
تحمل نمود و برخی از کتابهای نفیس و کم یاب را خود
تحریر و تعدادی را نویسانیده است. وی در این رابطه
چنین می نویسد:

«فقد استنسخت إلى الآن بيمينی خاصه من مؤلفات
أصحابنا الأعلام وأسفارهم الجليلة مما كان عزيز الوجود
منها، قليل النسخة، صعب العثور عليه ولكن غريز الفائدة،
عظيم العائدة، جليل الموضوع، ما يقرب من عشرين مؤلفاً
صغيراً وكبيراً، من مثل شيخنا الأعلام الأعظم الأقدم حبر
الأمة محمد بن محمد بن نعمان المفيد، وأبي القاسم علي
بن موسى المرتضى علم الهدى، و شيخ الطائفة الحقه محمد
بن الحسن الطوسي، وأبي الفتح الكراچكي، والامام
أبي محمد جعفر بن أحمد بن علي بن أحمد الجبل العاملي
الشهيد والشيخ الأجل والإمام زين الدين الشهيد الثاني؛
وشيخنا العلامة المحقق بهاء الدين العاملي الإصبهاني
والحكيم المحقق العلامة القاضي محمد سعيد القمي؛
وشيخنا العلامة الأستاذ الجليل الإمام شيخ الشريعة
الإصبهاني في فنون متنوعة.

ضمیمه الاسناد المصطفی إلى آل المصطفی، نسخه
ش ۹۴۸۶ کتابخانه آیت الله مرعشی (فهرست ۲۴/۲۴۳)
موجود است.

ذوق ادبی امامی

صدرالاسلام دارای قریحه شعری خوبی بوده و به دو زبان
فارسی و عربی شعر سروده است، ولی معلوم نیست که وی
دیوان شعری برای خود تنظیم کرده باشد؛ چنانکه در ذکر
آثار خود، فقط از دو قصیده خود (یکی به عربی و دیگری به
فارسی) یاد کرده است.

نمونه ای از اشعار وی قصیده ای است که به مناسبت
میلاد امام زمان (عج) سروده است:

آمد و آورد باز باد صبا بوی یار
مژده آن نقد جان باد به ارزان نثار
باد بهاری وزید پرده گل را درید
منتظران را نوید داد که آمد بهار
سرو به قد سبزپوش، باغ شده در بکوش
ابر ببارید شد باز چمن لاله زار
نرگس وهم نسترن سوسن وهم یاسمن
کرده معطر چمن بوی خوش هر چهار
و در آغاز منظومه فقهی خود که به عربی سروده، چنین
آورده است:

أعوذ بالله من الرجیم
وبسمه الرحمن والرحیم
قال بن یحیی محمد الأمين
معتصماً بحبله المتین
حمداً لمن فقهنافی الدین
علمنا معالم الیقین
مصلیاً علی النبی الهادی
وآله الأطهار والأجداد
وصحبه الأتجاب والکرام
نجوم أهل الأرض فی الظلام
ثم علی الأعلام من رواتهم
العلماء الفقهاء من ولاتهم
یا طالب الرشد وعاى الشرف
ان كنت تدری الفقه بالقصد یفی

مرآة الشرق

صدرالاسلام به شرح حال نویسی و ضبط تاریخ بزرگان اسلام و وقایع تاریخی علاقه خاصی داشت و چند کتاب در این زمینه نوشته است:

۱. تاریخ ثورة نجف.
۲. تاریخ دانشمندان گمنام خوی و سلماس.
۳. مستدرک کتاب دانشمندان آذربایجان، محمد علی تربیت.
۴. تراجم الأعیان در شرح حال بزرگان خوی از قرن اول تا عصر حاضر.
۵. لؤلؤة الزمان فی احوال من ادرکنه من الفضلاء والادباء و المشایخ الارکان.
۶. قهاد الجمال فی تراجم الاعیان.
۷. مرآة الشرق.

مفصلترین اثر صدرالاسلام امامی، که تا آخر عمر مشغول تدوین و تألیف آن بوده، کتاب مرآة الشرق است. او شرح حالهایی که در دیگر کتابها آورده، در کتاب حاضر همه را درج نموده است.

انگیزه امامی در تألیف این کتاب این است که وی با مشاهده کتاب مشاهیر الشرق جرجی زیدان متوجه می‌شود که مؤلف درباره شیعه امامیه کوتاهی کرد و در موردی صراحتاً عنوان نموده که امامیه گروهی اندک هستند که آثار و دانشمندان قابل توجهی ندارند. این مسئله بر وی گران می‌آید و در تماس با جرجی زیدان، اشتباه وی را متذکر می‌شود و او در جواب می‌گوید که من هر چه تفحص کرده‌ام و از عالمان شیعی درخواست کرده‌ام نتوانسته‌ام در این رابطه مصدري و مأخذی به دست بیاورم. همین مسئله موجب می‌گردد که امامی اقدام به خلق این اثر گرانسنگ نماید.

این کتاب از بدو تألیف مورد توجه دانشمندان قرار گرفته و شیخ آقابزرگ در تألیف طبقات اعلام الشیعه از آن بهره برده و در الذریعه در معرفی آن چنین نوشته است: «مرآت الشرق فی تراجم عمد ذوی الآثار من رجال الشیعه فی قرنین الثالث عشر والرابع عشر، شرع فیه ۱۳۴۷ ق، رأیت

و هذا غیر ما استنسخت منها بخط الغیر، ما یقرب من مائة مؤلفاً فصاعداً أفاض الله علی تربتهم رشحات رحمته و رضوانه».

صدرالاسلام برای تکمیل کتابخانه خود کتابهای متعددی را خود کتابت نموده یا به کاتبان سفارش استنساخ آن را داده است که در اینجا مشخصات چند نسخه درج می‌شود:

۱. انارة الحالك فی قرائة ملك و مالك، شیخ الشریعه اصفهانی (نسخه: مرعشی، ش ۱۲۲۷۱، ۵۶ برگ، ۱۵ شعبان ۱۳۳۳ ه.ق، فهرست مرعشی: ۱۱۴/۳۱).
۲. الواحد لا یصدر عنه الا الواحد، شیخ فتح‌الله اصفهانی (نسخه: مرعشی، ش ۱۲۲۲۸/۱، ۶ برگ، ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۵۶ ه.ق، فهرست مرعشی: ۴۲/۳۱).
۳. تعارض الادلة، شیخ هادی تهرانی (نسخه: مرعشی، ش ۱۲۲۳۱/۲، ۱۰ برگ، ۱۳۵۶ ق، فهرست مرعشی: ۵۵/۳۱).
۴. مجموعه‌ای شامل سه رساله که دو عدد آن (مسائل عکبریة شیخ مفید و استقصاء النظر علامه حلی) به خط صدرالاسلام است که در سال ۱۳۳۶ ه.ق در نجف استنساخ نموده است، (نسخه: ش ۳۶۱۰ ع کتابخانه ملی تهران، فهرست کتابخانه ملی: ۱۸۴/۱۶ - ۱۸۵).

امامی بدین وسیله کتابخانه مهمی تشکیل داد که حاوی کتابهای مهم خطی و چاپ سنگی و چاپ ایران و عراق و ترکیه و مصر و هند و برخی کتابهای چاپ اروپا بود.

مرحوم امامی برای کتابخانه خود فهرستی تنظیم نمود که در دفتر گنجینه شهاب (۱۳۸۳ ش) به چاپ رسیده است.

این کتابخانه بعد از وفات صدرالاسلام، با صلاح‌دید دکتر عباس زریاب خویی، از سوی بازماندگان امامی، در سال ۱۳۷۲ ه.ش، وقف کتابخانه آیه‌الله مرعشی گردید.^۱

در این کتابخانه متجاوز از هفتصد و پنجاه جلد کتاب وجود داشت که در بین آنها حدود ۱۲۰ نسخه خطی و نسخه اصل اغلب آثار مرحوم امامی نیز به چشم می‌خورد.

نسخه‌های خطی این کتابخانه به صورت پراکنده در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیه‌الله مرعشی قدس سره (جلدهای ۲۲ و ۲۳ و ۳۱) معرفی شده است.

۱. فهرست کتابخانه آیه‌الله مرعشی: ۴۳/۳۱.

تاریخ بیداری ایرانیان، لناظم الاسلام کرمانی؛
تحفة العالم، للشوشتری؛
التدوین فی تاریخ طبرستان، لاعتماد السلطنة؛
جنة المأوی، للمحدث النوری؛
حقائق الأخبار ناصرخی، لمیرزا جعفرخان حقایق نگار؛
خیرات الحسان، لاعتماد السلطنة؛
دائرة المعارف، للستانی؛
دائرة المعارف، للفرد و جدی؛
دارالسلام، للمحدث النوری؛
روضات الجنات، للخوانساری؛
روضة البهية فيه بيان الطرق الشيعية، للجابلاقی؛
ریاض الجنة، للزنوزی؛
ریاض العارفين، للرضا قلی خان هدایت؛
طرائق الحقایق، للنائب الصدر الشیرازی؛
قصص العلماء، لمیرزا محمد التنکابنی؛
كشف الحجب والأستار عن أسماء الكتب والأسفار،
للسید اعجاز حسین الکنهوتی؛
مآثر والآثار، لاعتماد السلطنة؛
مجمع الفصحاء، لرضا قلی خان هدایت؛
مرآة البلدان، لاعتماد السلطنة؛
مستدرک الوسائل، للمحدث النوری؛
مشاهیر الشرق فی قرن (۱۹) و (۲۰)، للجرجی زیدان
المصری؛
مطلع الشمس، لاعتماد السلطنة؛
منتخب التواریخ، للخراسانی؛
ناسخ التواریخ، للمیرزا محمد تقی سپهر؛
نامه دانشوران ناصرخی، للجنة العلمية تحت ریاسة قائدها
الفاضل علیقلی میرزا اعتضاد السلطنة؛
نجوم السماء فی أحوال العلماء، لمیرزا محمد علی الهندی؛
نخبة المقال، للبروجردی.

مجلده الاوّل الى آخر ما أوله العين، لصدر الاسلام الشيخ
محمد أمين بن امام الجمعة الخوئي نزيل تهران يقرب من
تسعائه بيت، توفي ۱۳۶۷، وقد استمد فيه من مجلدي
نقباء البشر والكرام والبررة»^۱
همچنین شیخ آقابزرگ در مجموعه کسکول خود - که به
منزله مسوده الذریعه و طبقات اعلام الشیعه به شمار
می رود - منتخبی از مرآة الشرق را درج نموده است.^۲

شیوه تألیف

امامی مرآت الشرق را به دانشمندان شیعه امامیه در سده
سیزدهم و چهاردهم اختصاص داده و شرح آنها را به ترتیب
حروف الفبای اسامی تنظیم نموده و در اسامی مرکب بخش
دوم اسم لحاظ شده است. او در این کتاب تعداد هشتصد
شرح حال را ذکر نموده و در مقدمه نیز متذکر شده که از
درج شرح حال دانشمندی که مشهورند و حالات آنها در
کتابهای دیگر مفصلاً ذکر شده خودداری نموده و فهرستی از
این اسامی ارائه نموده است. در مقدمه نیز منابع و مصادری
را که مطالب را از آنها اخذ نموده ذکر کرده که نام آنها ذکر
خواهد شد. اهمیت این کتاب در آن است که مؤلف مطالب
بسیاری را از دیده های خود یا شنیده هایش از اساتید در
این کتاب درج کرده که در مصادر دیگر به چشم نمی خورد.
شرح حالها در برخی موارد مفصل بوده و به سی صفحه بالغ
می گردد و در برخی موارد به یک یا دو سطر کاهش می یابد
و مؤلف خاضعانه اعلام می نماید که منتظر کسب اطلاعات
بیشتر در این مورد است. امامی در برخی موارد نیز جای
مطالبی را - مانند تاریخ وفات و ... - سفید گذارده به امید آنکه
بعداً آن را ثبت نماید ولی موفق به آن نشده است. او در ذیل هر
شرح حال به آثار علمی هر دانشمند اشاره کرده و در این زمینه
تمامی آثار شناخته شده یک مؤلف را ذکر نموده است.

منابع مؤلف در مرآة الشرق

مصادری که مؤلف از آنها استفاده نموده و در مقدمه کتابش
متذکر شده است عبارتند از:
آثار العجم، لفرصت الشیرازی؛
بحرالعلوم، للزنوزی؛
بستان السیاحه، للشیروانی؛

۱. الذریعه الى تصانیف الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۷۳.
۲. این مجموعه به چاپ نرسیده و عکسی از نسخه اصل آن در کتابخانه مرکز
احیاء میراث اسلامی در قم به شماره ۱۰۵۹ نگهداری می شود.
شایان ذکر است که کتاب مرآة الشرق با تحقیق و تصحیح نگارنده در دست
انتشار است.